

نتیجه‌ای که تاکنون، گرفتیم اینست که شیعه، بدستور ائمه خود، در فن تألیف مبتکر، و در همه فنون علمی، یادبرخی از آنها مانند تاریخ و حدیث و فقه و نحو و... و متقدم هستند.

پس گفتار احمد امین در فجر الاسلام ص ۱۵۸ و آنچه از سیوطی در تدریب الراوی، نقل شده که اول تألیف حدیث بدستور عمر بن عبدالمزیز بوده، و باینکه فقه را، ابوحنیفه تألیف کرده است، دور از تحقیق است.

آری میان اهل سنت تألیف از آنمصر شروع شده، و شاید مراد سیوطی هم، تألیفات اهل سنت بوده است و الاچگونه ممکن است که سیوطی با آن اطلاعات وسیع، اسم کتاب امیرالمؤمنین، و بیانام تفسیر امیرالمؤمنین را ندیده و یا نشنیده باشد.

و احمد امین هم حالش معلوم است.

#### ش. ایطنقل حدیث

الف- اهل بیت، به تبعیت از فرمایش پیغمبر اکرم: «نضر الله وجه عبدسمع مقاتلی فوعاها وبلغ الی من لم یبلغها فرب حامل الی من هو افقه منه.. الخ» شیعه را، دستور داده بودند که در نقل حدیث کاملاً احتیاط را مراعات نمایند، یا الفاظ حدیث را همانطوریکه شنیده اند ضبط کنند، و یا اینکه اگر لفظ را نتوانستند حفظ کنند، معناً کاملاً مراعات شود (بخارج ۱ ص ۱۱۱ و ۱۱۲ و وسائل ج ۳ ص ۳۷۶ و ۳۷۴ چاپ اول مدارک خطبه سابقاً گذشت).

ابی بصیر گوید: آیه «الذین یستمعون القول فی تبعون احسنه» را از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم. فرمود: آنها؛ کسانی هستند که خود را تسلیم آل محمد نموده‌اند، و قتیکه حدیث را می‌شنوند، زیاد و کم نمی‌کنند؛ آنطوریکه شنیده روایت میکنند.

ب- امیرالمؤمنین علیه السلام ناظر وضع صحابه بوده، و از دروغ‌گویان و جاعلین حدیث، (که سابقاً گذشت) اطلاع کامل داشته، لذا

خطبه ای ایراد فرموده ، و منشأ اختلاف احادیث را بیان کرده است ، (خصال صدوق و نهج البلاغه و وسائل ج ۳ ص ۳۹۱ از کافی) .

و بهمن منظور ، و نظر باینکه ؛ افراد شیعه تحت تأثیر علماء رسمی حکومت وقت قرار نگرفته ، و بالتسبیح ، از راه راست منحرف نشوند ، اهل بیت ، شیعه را با خیابار عامه ، ظنین کردند .

امام ششم فرمودند : سه نفر بودند که به پیغمبر اکرم دروغ می بستند : ابوهریره و انس بن مالک و یک زنی . (خصال) و راجع به ارزش اخبار ابوهریره رجوع شود بکتاب : «ابوهریره» تألیف آیه الله شرف الدین طعراق نجف . هارون بن خارجه گوید : حضور امام ششم عرض کردم ؛ ما نزد علماء مخالفین (از علماء اهل سنت به مخالفین تمیز میکردند) میرویم ، و از آنها حدیث میشنویم ، تا برله ما و عایه آنها حاجت باشد ، حضرت ما را نهی کرد . در بحار ج ۱ ص ۱۳۶-۱۴۹ و وسائل ج ۳ کتاب قضاء ص ۳۸۴ از این قبیل اخبار زیاد است .

و باز شیعه را متوجه ساختند ، بدروغگویانیکه باسم امام سجاد علیه السلام و امام پنجم و ششم دروغ می بندند؛ مانند ابی الخطاب و مقبره بن سعید و عده ای دیگر .

و میفرمودند : ما اهل بیت ، گرفتار اشخاصی هستیم که باسم ما دروغ جعل میکنند (بحار ج ۱ ص ۱۴۷ و ۱۳۸) .

و روی همین اصل ؛ شیعه های پدیدار شدند ، و بر است و دروغ اخبار رسیدگی کردند .

مسلم در صحیح ج ۱ ص ۱۰ و ۱۱ گوید : کتاب قضایای امیر المؤمنین دست ابن عباس بود ؛ و قتیکه به مضی از قضایا میرسید ، میگفت : والله علی باین قضاوت نکرده است .

آخر الامر شیعه بقدری احتیاط کردند که تا از مؤلفین خود کتاب (که مورد وثوق بودند) احادیث را نمی شنیدند ، روایت نمی کردند ، و اگر مؤلف ؛ در آخر عمر ؛ عقیده اش خراب می شد ، اخبار او را اخذ نمی کردند (مانند کتب

### شرایط نقل حدیث

شلمه‌مانی) و اگر مؤلف خود اظهار رأی می‌کرد؛ کتاب حدیثش نیز از اعتبار می‌افتاد (مانند کتب بنی‌فضال) و اگر کسی از ضعف، حدیث می‌کرد، مورد طعن قرار می‌گرفت (مانند برقی).

بالاخره مختصر سوءظن، باعث می‌شد که از کتاب و مؤلف اعراض کنند، تا اینکه از امام درین جهات سئوالاتی کرده، و دستور گرفته‌اند. و از عصر امام هشتم بیعد، شیعه رویه دیگری اتخاذ نمودند، و کتابهای گذشتگان را جمع کرده، بنظر خود امام میرسانیدند، و حک و اصلاح واقعی را مینمودند. (وسائل ج ۳ کتاب قضاء و بجا ج ۱ ص ۱۳۷ - ۱۴۹).

ج - اگر تمامی مدارس رسمی دنیارا، از عصر حکمای یونان-سقراط و ارسطو - تا کنون بررسی کنیم، همه را مدارس علم و دانش می‌بینیم، یعنی غرض نهایی علم تنها میباشد، استاد دانشمند علم را تعلیم میکند، و شاگرد نیز علم را فرا می‌گیرد، بلکه سقراط معتقد بود که علت همه آلودگیها همانا جهل است؛ لذا میکوشید که این را بمردم بفهماند؛ بخیال اینکه، علم جلوهٔ قیامت اعمال را می‌گیرد، و توجه نداشت باینکه اکثر کارهای ناروا؛ از دانایان سر میزند (ومن الناس من یهجمک قوله فی الحیاة الدنیا...).

خلاصه این رویه، هدف تمامی مکتب‌های رسمی علمی دنیاست، و اخیراً متوجه شده، و کتابهایی در تعلیم و تربیت می‌نویسند، ولیکن اگر نتیجه معکوس نگرفته باشند؛ هنوز نتیجه مثبت نگرفته‌اند.

و اگر دوباره برگشته؛ مکتب‌های غیر رسمی دنیا، یعنی روش تعلیم اقلیت را، به نظر بیاوریم - مکتب‌های انبیای عظام - می‌بینیم که ایمان و علم، و بالنتیجه علم و عمل را، توأم گرفته‌اند، و مردم را با ایمان و عقیده زنجیر میکنند، بعداً علم را یاد میدهند تا خود بخود عمل کنند.

اینست رویهٔ پیامبران، در تربیت، و اینست رویهٔ ائمهٔ اهل بیت، لذا برای استاد و شاگرد شرایطی قائل شده‌اند، و بهمین نحو شاگرد هائی را تربیت نموده، بدنیات تحویل داده‌اند.

اصحاب امیر المؤمنین را می‌بینی که مردمی متقی و زاهد و دانشمند؛

هستند ، و همین طور از تابعین و تابعین تا همین

لذا جاعلین حدیث ، با اینکه روایاتی جعل کرده اند که رافضی ها شیعه -  
از ایمان خارج اند، ولیکن در کتابهای خود اهل سنت با آنها وثوق داشته، و روایت  
از آنها نقل کرده اند .

علامه شرف الدین صد نفر از آنها را در کتاب المراجعات ، ضبط نموده است  
مسلم در اول صحیح خود گوید: جابر بن یزید جعفی میگفت: من ۷۰  
هزار حدیث میدانم ، و اجازه گفتن ندارم ، و اشکالی که باین مرد بزرگوار  
گرفته است ، اینکه : رافضی است و عقیده بر جحمت دارد .

مجلسی ۵ در جلد اول بحار ص ۹۰ - ۹۶ در شرائط استاد و ص  
۶۸ و ۷۷ - ۸۷ در وظائف شاگرد ، و اوصاف علما روایاتی نقل کرده است.  
خلاصه اینکه ، عالم آنست که عملش، قولش را تصدیق کند .

پیغمبر اکرم فرمود : کمر مرا درو طاقه شکستند : ۱- آنها نیکه  
میدانند و عمل نمیکنند ۲- آنها نیکه ندانسته عمل میکنند، این دستور قهراً در  
حفظ حدیث از جعل و تحریف شایان توجه است .

۵- ائمه اهل بیت علیهم السلام ، شیعه را بفهمیدن حدیث تشویق ،  
بلکه امر فرمودند ؛ یعنی بیشتر بفهمیدن اهمیت بد هند نه روایت کردن .  
(بحار ج ۱ ص ۱۱۲ و ۱۱۷ - ۱۳۵ صفحات بحار مغلوط است و ما روی  
شماره های موجود ؛ تعیین کردیم) تا اینکه قوه تعقل ، و رویه فکر میان شیعه  
باشد و کلمات اهل بیت را کاملاً رسیدگی نموده و بفهمند.

### اختلاف حدیث

همانطوریکه سابقاً اشاره شد ، عده ای بادیتهای مرموزی، در احادیث  
شیعه؛ دس و جعل نموده؛ و با اهل بیت روایتهای دروغی را نسبت میدادند ، لذا  
خود ائمه، شیعه را بدین جهت متوجه ساختند ؛ تا اینکه شیعه ها بتوانند، از  
جعل احادیث جلوگیری نمایند .

علمای شیعه نیز ، کمال احتیاط را انجام داده ، و در قرائت و روایت

و نوشتن حدیث، تمام اطراف و جوانب را رسیدگی نمودند و چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، از عصر حضرت رضاعلیه السلام کتابهای گذشتگان را جمع آوری نموده و بحضور امام رسانیده و راست و دروغ اخبار را تمیز میدادند (وسائل ج ۳ ص ۳۷۵ و ۳۷۷ چاپ اول)

و لکن اینهمه احتیاط کردن، اختلاف اخبار را رفع ننمود، زیرا که ائمه برای حفظ خون خود و خون شیعه ها تقیه را سپر ساختند، لذا کتابهای شیعه از اخبار یکپاره از روی تقیه صادر شده است مملو بوده و در واقع همین احادیث یگانه منشأ اختلاف شده است و اینهمه مشکلی است که شیعه ها از ناحیه خلفای جور دچار آن شده اند.

اصحاب ائمه، از اختلاف اخبار؛ بحضور شان شکایت کرده اند، و دستوری برای حل اختلاف گرفته اند، و فرموده اند که اگر نتوانستید، اختلاف را ببردارید؛ روایت را رد نکنید، بگذارید، بماند تا خود امام بیان کند (وسائل ج ۳ کتاب قضاء ص ۳۷۵ و ۳۷۹ و ۳۸۰ - ۳۸۶ و بحار ج ۱ ص ۱۱۸)

#### روش شیعه در فقه:

در باب و رقیه های گذشته بیان کردیم که صحابه (خلفاء وقت و طرفداران آنها) اجتهاد را در مقابل نصوص پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله جاز دانستند و عملاً نیز احکام الهی را بحسب صلاح دید تغییر دادند (النص و الاجتهاد و جانشینان محکوم، تألیف شیخ حسین بن عبدالوهاب).

در جائیکه اجتهاد در مقابل نص جاز باشد، در جاهائیکه نص نباشد بطریق اولی جاز است، بنا بر این صحابه در حوادث؛ و پیش آمدها، بطور مطلق مجاز بودند که بحسب صلاح دید خود، رأی بدهند و ناچار هم بودند، زیرا اهل بیت پیغمبر اکرم که به بیان خدا و رسول، مرجع علمی و قرین قرآن بودند بهر نحوی بود از اجتماع دور شدند، و اجتماع اسلامی رفته رفته وسیع تر و پیش آمدهای گوناگون جلو آمد، صحابه حکم را از کتاب و سنت نبوی در